

شهردار حماسه ساز

سیرت سردار رشید اسلام
شهید مسعود کفیل افشار



رضا خانی

با مقدمه‌ای از سید حجت سلام‌اله‌زاده

سرشناسه	: خانی، رضا. ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: شهردار حماسه ساز/ رضا خانی.
مشخصات نشر	: تهران: شلاک، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۶ ص.
شابک	: 978-600-5227-68-0
وضعیت فهرست نویسی	: فبا
یادداشت	: عنوان دیگر: سیرت سردار رشید اسلام شهید محمود کفیل افشار (شهردار شهید استان آذربایجان شرقی).
یادداشت	: کتابنامه
عنوان دیگر	: سیرت سردار رشید اسلام شهید محمود کفیل افشار (شهردار شهید استان آذربایجان شرقی).
موضوع	: کفیل افشار. محمود. - ۱۳۶۲.
موضوع	: جنگ ایران و عراق. ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - شهیدان - سرگذشتنامه
رده بندی کنگره	: DSR/ ۱۶۲۶: ۷۲ ص ۱۳۸۹
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۲۲۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۰۵۱۳۸۱۲۲

شهردار حماسه ساز

سیرت سردار رشید اسلام شهید محمود کفیل افشار

ناشر	: انتشارات شلاک
مؤلف	: رضا خانی
طرح جلد	: فروغ بیژن
چاپ اول	: ۱۳۹۰
شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد
قیمت	: ۴۸۰۰ تومان
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۲۷-۶۸-۰

جمالزاده جنوبی خ دیلمان پ ۱۴ واحد ۱

تلفن ۶۶۵۹۲۳۵۷ و ۶۶۵۶۹۱۳۹ و ۹۱۲۲۲۵۱۳۶۸

فهرست

پیشگفتار	۹
مقدمه	۱۳
فصل اول: جنگ و شهادت از دیدگاه اسلام	۱۹
قرآن و فضیلت جهاد و شهادت	۲۱
دیدگاه اسلام درباره جنگ و دفاع	۲۸
فصل دوم: شهید مسعود کفیل افشار	۳۹
زندگی نامه سردار شهید مسعود کفیل افشار	۴۱
عملیات والفجر ۴	۵۲
سومین مرحله از عملیات والفجر ۴	۵۵
آیا می‌دانید؟	۶۱
فصل سوم: خاطرات	۶۳
محمود کفیل افشار (فرزند شهید)	۶۶
سخنانی از زبان مادر شهید	۶۹

منصور کفیل افشار (برادر شهید) ----- ۷۲

هادی کفیل افشار (برادر شهید) ----- ۷۴

سردار حاج مهدی رسولی ----- ۷۵

مقصود شجاعی فر ----- ۸۱

اسماعیل طراوتی ----- ۸۴

جواد نجفی آذر ----- ۸۹

رحیم صوتی ----- ۹۳

شهرستان هشتروند ----- ۹۹

خاطرات کارکنان شهرداری و مسئولان وقت هشتروند ----- ۱۰۱

حمید علیپور آذر ----- ۱۰۲

پیرعلی احمدپور ----- ۱۰۴

سید حسن صدر موسوی ----- ۱۰۷

محمدحسن پوررادی ----- ۱۰۸

علیرضا مجیدی ----- ۱۱۶

محمد رضا نوتاش ----- ۱۲۰

فصل چهارم: سیرت و اندیشه شهدا ----- ۱۲۳

سیرت کفیل افشارها در قیاس با جامعه امروز ما ----- ۱۲۵

اندیشه نامه شهید کفیل افشار ----- ۱۳۳

شهید و شهادت در کلام امام خمینی (ره) ----- ۱۳۶

شهید و شهادت در کلام مقام معظم رهبری ----- ۱۵۲

فصل پنجم: روایت تصاویر ----- ۱۶۱

منابع ----- ۱۷۵

پیشگفتار

«مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبَدُّلاً»^۱

«در بین مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند، برخی از آن‌ها جان در راه عهد و پیمان خود نهاده‌اند و برخی دیگر منتظرند که شهید شوند و به آن‌ها ملحق گردند و آن‌ها از اعتقاد و پیمان خود دست برنداشتند.»

خاطره‌ی حماسه جنگ و از جان گذشتگی‌های فرزندان این آب و خاک بی‌هیچ تردیدی چون درخت تناوری از ریشه جدانشدنی است و اگر سال‌ها و قرن‌ها نیز از آن بگذرد این درخت چون تک درختی در میان دشت، محکم‌تر، بلندتر و استوارتر خواهد بود و هجوم زمان، اندک تزلزلی بر آن وارد نخواهد ساخت.

در هشت سال دفاع مقدس غیور مردان ایران زمین شگفت‌انگیزترین

انقلاب ما برای گسترش است واحد و استقرار فسط توحیدی در بین انسان‌هاست. «شهید داوود جلیل درخشی»

رویدادهای ممکن و غیرممکن را آفریدند و معادلات نظامی و غیرنظامی جهان را برهم زدند. در این سال‌ها هیمنه و جبروت مادی بزرگ‌ترین ابرقدرت‌های جهان درهم شکست و بی‌ادعترین جوانان این مرز و بوم آبروی از دست رفته برخی سرداران و فرماندهان تاریخ ایران را خریدند.

حفظ خاطره دفاع مقدس فارغ از همه هیاهوهای سیاسی و چالشهای فکری که دشمنان داخلی و خارجی از گذشته تا به حال رقم زدند و می‌زنند در یک کلام هویت دینی و ملی ماست.

فرقی نمی‌کند چه کسی باشیم و با چه مرام و عقیده‌ای؛ هر که باشیم، از ظاهر و باطن که بگذریم آن چه دارایی ماست همین میراث گرانبها و ارزشمند سیرت شهیداست که به ما و نسل آینده ما تشخیص می‌بخشد.

در مقابل روزگاری که در آن سوی دنیا برای یک دیوار فرو ریخته و چند کلاه سوخته و سوراخ شده موزه درست می‌کنند و برای یک ماه و هفت روز جنگ خود تاریخ می‌نویسند و دائرة المعارف می‌نگارند و یک سرباز جنگ جهانی را زمانی که از ترس به کنج سنگر خزیده قهرمان معرفی می‌کنند به راستی وظیفه ما چیست؟

آری بر ماست که با ترویج و معرفی جوانمردی و شهادت این راست‌قامتان تاریخ به نوعی ادای دین نماییم و از این منظر همت نگارنده این کتاب را در این راستا می‌ستایم.

اما حکایت زندگی و سیرت شهید مسعود کفیل افشار داستان انسانی ملکوتی است که به درستی از مسیر رستگاری آگاه بود. او از صحنه‌ی وسیع و

پرتلاطم آشفته‌گی‌های زندگی و دنیایی که اغلب ما دچار آن هستیم فارغ بود و هرگز وسوسه‌های نفس بر اراده و ایمان او راهی پیدا ننمود. شهید کفیل افشار خداوند را ناظر بر اعمال خود و شهادت را بهترین راه رسیدن به او می‌دانست و از طرفی مقام‌های دنیوی نیز او را از اعتقاد به خدمت غافل ننمود و از باور ساده زیستی، دین داری و مبارزه در راه حق دور نساخت و در نهایت مردانه بر سر اعتقاد و باور خود ایستاد و در این راه جان خود را فدا نمود.

هر چند وصف کمال و جلال این مرد بزرگ و مدیر لایق در قالب کلمات نمی‌گنجد، اما این کتاب به اندازه جرعه‌ای از دریا در معرفی بخشی از ابعاد شخصیتی این شهید گران قدر به نظر موفّق بوده است و امیدوارم هر چه بیش‌تر مورخان و قلم به‌دستان ما در این جهت برای سایر شهدا نیز قلم زنند تا شاید نسل آینده، منش، اخلاق و جانفشانی‌های گذشتگان شهید خود را بیش‌تر بدانند.

نَسْأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشُّهَدَا وَ مُعَايِشَةَ السُّعَدَا وَ مُرَافِقَةَ الْأَنْبِيَاءِ

سید حجت سلام‌اله زاده

مقدمه

شقایق آزاده است و تعلقى ندارد در دشت‌های دور، لابه‌لای سنگ‌ها مى‌روید و به آب باران قناعت دارد تا همواره تشنه باشد و بسوزد.

داغدار است و گلبرگ‌های سرخش را نیز گویا به خون آغشته‌اند. شهید نیز آزاده است و فارغ، قانع، تشنه، سوخته دل، داغدار و غلطیده در خون...

شهید مسعود کفیل افشار نیز چون شقایق آزاد بود و تعلقى به دنیا نداشت و هر آن‌چه دوست مى‌داشت در وجود نورانى معبود خود مى‌دید از جذابیت‌های مادی و دنیوی رها بود و در مسیر عشق تنها راه رسیدن به خالق را آزادگی و گم‌نامی مى‌دانست.

در مسیر مطالعاتم برای نگارش این کتاب دانستم در فاصله تولد تا شهادت این پرورش یافته مکتب اسلام و غیورمرد آذربایجان و ایران زمین حکایت‌ها و لحظات ناب از درس‌ها و عبرت‌های زندگی، مسلمانی و مدیریتی نهفته است که تاکنون چون دانه‌های زیر خاک، سر به بیرون نیاورده بود.

شهادت نابودی و نیستی نیست بلکه بقای همیشگی است «شهید حسین مژدگر»

در گفتگو با روایت کنندگان از زندگی شهید کفیل افشار برایم مشخص شد او گمنامی و ناشناسی را برای عمر کوتاه اما پربرکت خود یک فرض می‌دانست و هم‌اکنون نیز روح بلند او شاید همین را پسندیده‌تر بداند. اما نیک که اندیشیدم از خدای شهید و خود شهید طلب عفو نمودم و قلم به دست گرفتم تا حکایت پندآموز زندگی او را به زیور طبع آراسته‌تر نمایم؛ چون حکایت شهید، روایت ماندن ما نیز هست؛ اویی که با دوران خدمت خالصانه‌اش در مراغه، هشتروند، مرند و در حماسه‌هایش در کردستان، مریوان و پنجوین عراق ماندگار شد. نمی‌خواستم در روایت شهید آن گونه که رسم است فقط به شب حمله، دعا و مناجات، بدن‌های زخم خورده و پیکرهای غرق در خون اشاره کنم. هر چند شهید کفیل افشار در اوج رشادت و شجاعت این رسم جنگ و جبهه را نیز بسان سایر هم‌رزمانش به جای آورده بود.

اما آن چه برایم مهم‌تر بود بیان فهرستی از ارزش‌های انسانی او بود که در شخصیت این شهید افتخارآفرین جمع بود، صفای دل، خلوص نیت، صبر، شجاعت، گذشت، ساده زیستی، فقیردوستی، خستگی ناپذیری، سعه صدر، دین داری و بسیاری از خصلت‌های انسانی که در روایت اشمیایان با این شهید در این کتاب درج شده است، از جمله حسنات این مرد آسمانی بود تا آن را دستاویزی سازم که قلم را بیش‌تر در مسیر آن به حرکت در آورم.

اگر میل به گمنامی این شهید نبود، برای هر کدام از ویژگی‌های فوق شاید می‌شد اسناد و ردپاهای جدیدتری یافت و کتاب‌های دیگری نگاشت، اما افسوس که راه دراز بود و فرصت کم و توان نگارنده نیز به میزان کشف

با شهادت متولد می شوم و زندگی جاویدان خود را آغاز می کنم «شهید صابر سیدی»

گوهرهای دریای معرفت این شهید نبود و از این رو و به نقل از برادر جانباز سید حجت سلام‌الله‌زاده به چشیدن جرعه‌ای از این دریا قناعت شد.

اما شکوفه درخت زندگی شهید کفیل افشار در سال ۶۲ نیز به وجود نازنین پسری به میوه نشست، اما او را نیز به خدا وا گذاشت چون معتقد بود خدا بزرگ‌ترین پناه و نگه‌دارنده اوست، یادگار شهید که در زمان هجرت همیشگی او ۴۰ روز بیش‌تر نداشت، اکنون به سن جوانی رسیده است. او می‌خواهد در این کتاب بخش کوچکی از سخنان و درد دل‌های در سینه حبس شده خود را با من و تویی که از نعمت پدر برخورداریم و شکر این نعمت را به جا نمی‌آوریم در میان بگذارد. واژه پدر برای او غریب نیست. او با پدر نادیده خود زندگی کرده است. در غم‌ها و شب‌های تنهایی با او هم سخن شده و از او مدد جسته است. در سفرها همواره او را در کنار خود می‌بیند، در دشت و کوه نام او را به زبان می‌آورد و شیرینی این تکرار تنها مونس اوست. گویی این که شهید زنده است را با جان و دل و بیش‌تر از ما حس می‌نماید و همواره دست پرمهر او را بر سر خود می‌بیند. شاید زیباترین بخش کتاب حزن سبز این جوان یعنی محمود کفیل افشار باشد.

پیش از کلام آخر در این نوشتار لازم است زحمات برادر جانباز غلامرضا محسنی را که در طول این سال‌ها با اخلاقی قابل ستایش و نیتی خدا پسندانه مددکار و همراه بازماندگان شهید کفیل افشار شد را ارج نهم و بر ایثارگری این مرد گمنام و بی‌ادعا درود فرستم.

در پایان از همه عزیزان و مسئولانی (در ذیل به ذکر نام آن‌ها می‌پردازیم)

ما باید به فکر ناموس اسلام باشیم. «شهید جعفر عطایی»

که دلسوزانه مرا همراهی نمودند و در نگارش این کتاب از بیان خاطره و ارائه مدارک و مستندات دریغ نمودند، نهایت قدرانی را می‌نمایم:

محمود کفیل افشار (فرزند شهید)، هادی و منصور کفیل افشار (برادران شهید)، سردار حاج مهدی رسولی، مقصود و حامد شجاعی‌فر، آقای پوررادی، علیرضا مجیدی، محمدرضا نوتاش رحیم صوتی، عطف اهرامی، داوود دهقانی، برادران جانباز و گرامی سید حجت و سید علی سلام اله زاده، اسماعیل طراوتی، نادر آتاپکی پور، رضا کاظمی، کارکنان شهرداری هشتگرد، مسئولین بنیاد شهید مراغه، مسئولین بنیاد شهید استان آذربایجان شرقی، همسرم و تمام کسانی که مشوق تهیه این اثر شده‌اند.

سخن آخر را به بیان سید اهل قلم شهید آوینی زبیده می‌نمایم که گفت: گمان این است که شهدا رفته‌اند و ما مانده‌ایم، لیکن زمان ما را با خود برده است و شهدا مانده‌اند. آری شهدا ماندند و ما رفتیم و ای کاش ما هم می‌ماندیم و گذر زمان ما را از خاطره‌ها محو نمی‌کرد.

فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلْيَسَّرْ لَهُ فَوْقَهُ بَرًّا؛

هیچ نیکی‌ای بالاتر از کشته شدن در راه خدا نیست.

والله المستعان

رضا خانی - اسفند ماه ۱۳۸۹